

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ◇ یادداشت سردبیر

در فرایند فعالیت‌های علمی در گذشته و حال، مفاهیمی در میان سطوح و مراتب مختلف کارگزاران این فعالیت‌ها پیوسته مورد بحث و گاه اختلاف بوده است. این اختلاف آراء عمدتاً برخاسته از برداشت‌ها و استنباط‌هایی بوده که از "ظن" هر قشر یا مرتبه‌ای تأثیر می‌پذیرفته است. لفظ "تحقیق" از جمله این مفاهیم است که برخی از ظرف لفظ به محتوای درون آن راه یافته و طبعاً تجزیه لفظی واژه را مبنای تفسیر مفهوم و معنای آن قرار داده‌اند، و بعضی نیز فارغ از لفظ، در صدد کشف و تبیین آنچه در لوای آن لفظ صورت می‌گیرد برآمده‌اند و لفظ را تنها گزینشی قراردادی برای بیان مفهومی که ناظر بر مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست دانسته‌اند.

اهل لفظ به تلاش‌هایی از این نوع دلمشغول بوده‌اند که تحقیق از باب تفعیل است و معنای آن جست‌وجوی حقیقت است. طبعاً با ورود به این وادی، گرفتاری دیگری را بر این عرصه افزوده‌اند که بپرسیم "حقیقت" چیست؟ تفاوت آن با "واقعیت" کدام است؟ آیا می‌توان در جست‌وجوی حقیقت برآمد؟ آیا حقیقت دست‌یافتنی است؟ آیا حقیقت مطلق است یا از پیشداشته‌ها و استنباط‌های ما تأثیر می‌پذیرد؟ آیا می‌توان مرز حقیقت و واقعیت را به روشنی ترسیم کرد؟ و ده‌ها پرسش دیگر که حتی اگر پاسخی روشن نیز برای آنها بیابیم - که به شهادت تاریخ فلسفه، نمی‌توان این چنین خوش‌بین بود - باز هم تکلیف تحقیق مشخص نمی‌شود. برخی لفظیون از این نیز فزاتر رفته و - به اعتبار همان علقه‌های لفظی - بعضی برابر نهاده‌ها را ناظر بر مفاهیم متفاوت می‌پندارند؛ فی‌المثل میان "تحقیق"، "پژوهش"، "تتبع"، و "تفحص" تمایز قائل می‌شوند و هر یک را مناسب فعالیت‌های خاص می‌دانند.

اهل معنی، در سوی دیگر، مفهوم تحقیق را - با هر لفظ و بیان دیگری معرفی شود - مجموعه‌ای از مراحل همبسته با یکدیگر می‌دانند که ضرورتاً باید از آغاز تا پایان طی شود تا بتوان آن را فعالیت‌های پایان یافته تلقی کرد. نام این مجموعه فعالیت‌ها - از این دید - انگی قراردادی است که اجماع اهل فن بر آن صحه گذارده‌اند. این انگ ممکن است زمانی "تحقیق"، زمانی

"پژوهش"، و زمانی لفظی دیگر باشد؛ اما این جابه جایی الفاظ تغییری در ماهیت مفهومی و دامنه معنایی آن پدید نمی آورد.

در گیراگیر این تناظر، خواه از پوسته لفظ به عمق معنی راه یابیم یا از عمق معنی سربر آوریم و پوسته لفظ را بشکافیم، باید به مسئولیت پاسخ گویی به این پرسش بیندیشیم که "واقعاً تحقیق چیست؟" این پرسش خاص نو خاستگان کنجکا و نیست، شیفتگان سرد و گرم چشیده نیز نسبت به یافتن پاسخی در خور بی میل نیستند؛ هر چند که هر رشته علمی کوشیده است در اقطاع خود "به قدر تشنگی" از این "دریا" برگردد.

از زمان ورود الفاظ فرنگی به زبان فارسی، واژه های تحقیق، پژوهش، تفحص، و تنوع در برابر کلمه Research قرار گرفت و آنچه در مفهوم این کلمه بیگانه نهفته است بر معادل های فارسی آن نیز اطلاق گردید. بدین ترتیب، نزاع بر سر "عنب" و "انگور" فروکش کرد و مباحثات بر تعبیر و تفسیر مراحل تحقیق متمرکز شد؛ و پس از این دگردیسی است که راحت تر می توان از تحقیق و چیستی آن سخن گفت.

تحقیق - با این تعبیر - ناظر بر طی مراحل است که از مسئله - یا بنا بر استدلال دیگری، از فرضیه - آغاز می شود و به نتیجه گیری می انجامد. این مراحل در همه رشته های علمی و حوزه های موضوعی صادق است، تنها روش ها به تناسب مسئله تحقیق تفاوت می کنند. در فرایند تحقیق، مسئله ای ذهن پژوهنده را می خلد، در صدد یافتن پاسخی علمی برمی آید - ممکن است پاسخی را برای مسئله حدس بزند - در یافته های دیگران در باب مسئله غور می کند، روش مناسب پاسخ یابی را برمی گزیند، داده های مرتبط را گرد می آورد، به تحلیل یافته ها می پردازد، و سرانجام به نتیجه ای می رسد که با حل مسئله یا حدس آغازین تحقیق مناسبت دارد. هر یک از این مراحل که در جریان این فعالیت حضور نیابد، نمی توان به آن اطلاق تحقیق کرد.

در رشته های مختلف علمی، از جمله در رشته کتابداری و اطلاع رسانی، یک سلسله فعالیت ها به صورت مستمر یا موردی صورت می گیرد که ممکن است گاه از آنها به "تحقیق" تعبیر شود. این گونه اطلاق ها نوعی اطلاق جزء بر کل است. زیرا ممکن است در مقایسه با سیر کلی تحقیق، تنها یک یا چند مرحله از فعالیت های "لازم" را در برگیرد، اما برای "تحقیق" بودن "کافی" نیست. شاید بی مناسبت نباشد به برخی از این فعالیت ها اشاره شود.

ابتدا بد نیست به طور اجمال به تفاوت "سؤال" و "مسئله" اشاره شود. ممکن است روزانه ده ها سؤال در محیط کار به ذهن برسد که با یکی دو پرس و جو به جواب برسد. هیچ گاه این سوالات را "مسئله" ندانسته اند. مسئله نوعی خاص از سؤال است که جز با استفاده از روش های مقبول علمی و پس از گردآوری نظام مند اطلاعات نمی توان برای آن پاسخی یافت. بنابراین،

صرف طرح سؤال، تحقیقی را به دنبال نخواهد داشت و هر پرسشگری لزوماً پژوهنده نیست. ممکن است برای پاسخ‌گویی به مراجعه‌کننده‌ای، برای یافتن اطلاع در زمینه‌ای، تصمیم‌گیری در باب شکل‌دهی مجموعه‌ای، یا اطمینان از صحت داده‌ای، و ده‌ها غرض دیگر به جست‌وجوی اطلاعات در منابع بپردازیم؛ هیچ یک از اینها تحقیق نیست، گرچه هرگاه به دنبال طرح "مسئله‌ای" باشد تنها مرحله‌ای از تحقیق است که باید با سایر مراحل تکمیل شود و پیکر واحدی را پدید آورد. اما هرگاه از برآیند جست‌وجوهای متعدد، مسئله‌ای در باب رفتار کاوش، عادت‌های بازبایی، گرایش‌های ویژه منابع، و مانند آنها صورت‌بندی شود و اطلاعات در چارچوب چنان مسئله‌ای جست‌وجو گردد، تحقیق آغاز شده است.

هرگاه مجموعه‌ای از جداول آماری را کنار یکدیگر قرار دهیم، و تعبیر و تفسیر آنها را به مخاطبان واگذاریم، تنها بخشی از داده‌های تحقیق را فراهم کرده‌ایم و تا تحقق "تحقیق" راهی دراز پیش روی پژوهشگر است. کتابشناسی‌ها - علی‌رغم کاربردهای مفید آنها - از منظر تحقیق جز مجموعه‌ای که خود می‌تواند مواد خام پژوهشی مفروض قرار گیرد نیست. چنین است راهنماها و آنچه مراکز، فعالیت‌ها، پدیده‌ها، اصطلاحات، و مانند آنها را می‌شناساند.

تهیه فهرس اعم از کتابی یا برگه‌ای ممکن است هر یک از طریق پاسخ‌یابی برای انبوهی پرسش فراهم آمده باشد، اما ماهیت پرسش‌های مرتبط با آنها به گونه‌ای است که در مدتی/اندک و با مراجعه به منابعی مشخص به پاسخ می‌رسد و هرگز به مرحله "مسئله"، که در فرایند تحقیق معنی پیدا می‌کند، نایل نمی‌گردد. گرچه مجموعه این فهرس می‌تواند خود ماده خام و داده‌های لازم برای تحقیقی مفروض را فراهم کند.

درسنامه‌ها که راهکارها و رویه‌های فراگیری مهارت‌ها را مد نظر دارد و به طرح مبانی شناخته شده و مقبول هر رشته یا حوزه موضوعی می‌پردازد نیز، هر چند زحمت فراوانی را بردوش پدیدآورندگان خود استوار می‌سازند، هرگز به عنوان کار تحقیقی مطرح نبوده‌اند. اما درسنامه‌ها خود می‌توانند از طریق طرح مسائل گوناگون علمی، مواد خام تحقیق قرار گیرند و از دیدگاه‌های مختلف مطالعه شوند.

به طور اجمال باید نسبت به چند پندار هشیار بود:

- همه آنچه به طور روزمره انجام می‌دهیم تحقیق نیست. طبابت روزانه، معلمی روزانه، مدیریت روزانه، کتابداری روزانه، و مانند آن انجام فعالیت‌های حرفه‌ای است. هرگاه به بازکاوی این فعالیت‌ها پرداختیم و به نتیجه‌ای دست یافتیم که به بهینه‌کردن کار در مقیاسی غیرفردی انجامید، وارد عرصه تحقیق شده‌ایم.

- اجرای مرحله‌ای از فرایند تحقیق به معنای انجام کامل تحقیق نیست، و نباید دامنه تحقیق

را بنابر مصالح، منافع، یا علایق خود بسیار تنگ دید و تنگ شناساند، و نوپایان شایق و علاقه‌مند را که مشتاق آرمان‌گرایی هستند، در زندان خیال‌پروری محبوس ساخت.

- مفید بودن یک محصول را نباید معیار سنجش تحقیق قلمداد کرد. زندگی اجتماعی سرشار از فعالیت‌های مفید و کارآمد است که هر یک گرهی از کار قشر و جماعتی باز می‌گشاید، اما هرگز تحقیق تلقی نشده است، و عاملان آن فعالیت‌ها نیز ادعای محقق بودن نداشته‌اند.

باید حرمت حریم هر فعالیت را پاس بداریم و به دور از هرگونه تحمیل نظر، با رعایت انصاف علمی، به درون مرزها پا بگذاریم. چنین است که می‌توان حفظ حرمت را به دیگران نیز آموخت.

عباس حُرّی